

An Analysis and Assessment of Turkey's Foreign Policy in Iraq and Its Impact on National Interests of the Islamic Republic of Iran (2010-2023)

Sami Rasool Maktouf al-Rekabi¹, Mohammad Torabi², Mohammad Hassan Ali Mohammad³,
Bashir Esmaeili⁴

¹ PhD., Student, Department of International Relations, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran. samialreka@gmail.com

² Associate Professor, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (**Corresponding author**). mtorabi1418@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Kufa University, Najaf, Iraq. muhmdzxc11@gmail.com

⁴ Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran. bashir_esmaeili@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present research is to study Turkey's foreign policy in front of Iraq and its impact on national interests of the Islamic Republic of Iran. In this regard, the theory of neorealism along with a descriptive-analytic method was used. The results showed that Turkey's foreign policy in Iraq is based on increasing penetration, acquiring better position, and maintaining power balance with Iran which, on the one hand, has common interests for both countries, and on the other hand, involves contradictory interests. At for positive points and collaboration, this subject is rooted in the geography of 3 countries and is a function of regional environment, terrorism, and Kurds' issue while with respect to competition, it is due to the expansion of the penetration of 2 countries in Iraq. Iran supports the policy of sustaining the status quo whereas Turkey seeks changing the current situation. Iran considers itself as an ally of Iraq while Turkey pursues hegemony and regional leadership. On the other hand, in the economic field, Turkey aims to acquire the highest share of trade and take control of energy transmission from Iraq to Europe. Therefore, it can be said that Turkey mostly uses means of soft power for its hard purposes while Iran uses components of hard power for its soft purposes.

Keywords: Foreign Policy, National Interests, National Security, Iraq, Turkey.

تحلیل و ارزیابی راهبرد سیاست خارجی ترکیه در عراق و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران از ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳

سامی رسول مکطوف الرکابی^۱، محمد ترابی^۲، محمد حسن علی محمد^۳، بشیر اسماعیلی^۴

^۱ دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

samialreka@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

mtorabi1418@gmail.com

^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه الکوفه، نجف، عراق. muhmdzxc11@gmail.com

^۴ استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.

bashir_esmaeili@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی راهبرد سیاست خارجی ترکیه در قبال کشور عراق و تاثیر این سیاست‌ها بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا، با کاربست نظریه نوواقع‌گرایی و روش توصیفی-تحلیلی، نشان داده شد که راهبرد سیاست خارجی ترکیه در عراق، مبتنی بر افزایش نفوذ و کسب موقعیت برتر و حفظ موازنه قدرت با ایران می‌باشد که از یک‌سو برای هر دو کشور منافع همسو و از سوی منافع متعارض را دربرمی‌گیرد. این موضوع در زمان نقاط مثبت و تعامل، ریشه در جغرافیای سه کشور دارد و تابعی از محیط منطقه‌ای، تروریسم و مسئله کردها است و در هنگام رقابت، به دلیل حوزه گسترش نفوذ دو کشور در عراق است. ایران از سیاست حفظ وضع موجود حمایت می‌کند و در مقابل ترکیه به دنبال تغییر وضع موجود است. ایران خود را همپیمان عراق می‌داند، اما ترکیه به دنبال هژمونی و رهبری منطقه‌ای است. از سوی دیگر در حوزه اقتصادی نیز ترکیه به دنبال کسب بیشترین سهم تجارت و به دست گرفتن کنترل انتقال انرژی از عراق به اروپا است. در نتیجه می‌توان گفت، ترک‌ها عمدتاً از ابزارهای قدرت نرم برای اهداف سخت استفاده می‌کنند و ایران بیشتر از مؤلفه‌های قدرت سخت برای اهداف نرم استفاده می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سیاست خارجی، منافع ملی، امنیت ملی، ایران، عراق، ترکیه.

استاد به این مقاله: مکطوف الرکابی، سامی رسول؛ ترابی، محمد؛ علی محمد، محمد حسن؛ اسماعیلی، بشیر (۱۴۰۲). تحلیل و ارزیابی راهبرد سیاست خارجی ترکیه در عراق و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران از ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۰(۴)، ص ۹۱-۱۰۴.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

خاورمیانه از معدود مناطق مهم و راهبردی جهان است، که روند دگرگونی‌های سیاسی در آن، بسیار سریع و قابل توجه است. در این منطقه مهم ژئوپلیتیکی، قدرت‌های مهم منطقه‌ای مانند ایران، ترکیه، عراق و عربستان در فاصله‌های زمانی بسیار کوتاه، به دنبال ایجاد تغییراتی در راستای منافع ملی خود بوده‌اند. در این بین ترکیه، به سبب برخورداری از پیشینه تاریخی و پیوستگی به مرکزیت سیاسی، تاریخی و جغرافیایی جهان اسلام، از جایگاه مهمی برخوردار بوده و دگرگونی‌های آن، همواره بر کشورهای دیگر منطقه برای اتخاذ راهبردهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی، تأثیرگذار بوده است. به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ میلادی، موجب تغییر و تحول مهمی در عرصه سیاست داخلی، به ویژه سیاست خارجی ترکیه شده است. این حزب با ایجاد اصلاحات در سیستم سیاسی، نظامی، اداری و اقتصادی ترکیه و دستیابی به موفقیت‌های گسترده داخلی، توانست موقعیت و نفوذ خود را تحکیم بخشد. اگر سیاست خارجی هر کشوری در تداوم سیاست داخلی باشد، باید پذیرفت تحول در عرصه داخلی، بی‌تأثیر بر عرصه خارجی نیست و افزایش قدرت یک دولت در عرصه داخلی، موجب شکل‌گیری رویکردی برای ایفای نقش قدرتمند در عرصه خارجی خواهد شد. رهبران ترکیه نیز مانند هر بازیگر سیاسی در تلاش‌اند با تکیه بر محذورات و مقدرات کشور خود، به ایفای نقش برای کسب جایگاهی شایسته در معادلات منطقه‌ای و نظام بین‌الملل بپردازند.

در همین راستا به نظر می‌رسد، ابعاد ژئوپلیتیکی، ژئواکونومی و ژئوکالچرالی جغرافیای عراق به نحو زیادی با سیاست خارجی ترکیه درهم تنیده شده است، که تصور نادیده گرفتن عراق را برای سیاستمداران ترکیه سخت محال می‌سازد. این ویژگی‌ها و ابعاد، سبب شده است، ترکیه نیز به عنوان قدرتمندترین همسایه این کشور بتواند نفوذ خود را در عراق بسط دهد و در معادلات قدرت عراق نه به عنوان قدرتی ناظر، بلکه به کنش‌گری فعال و اثرگذار تبدیل شود. به دلیل همین الزامات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، تحولات عراق همیشه یکی از مهم‌ترین موضوعات سیاست خارجی ترکیه بوده است. مجموع تمامی این شرایط سبب می‌شود تا در سال‌های اخیر، رقابت میان دولت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از جمله ایران، ترکیه و عربستان برای بسط نفوذ سیاسی در کشور عراق شکل گیرد.

توجه به مؤلفه‌ها و اصول سیاست خارجی ترکیه در دوره حاکمیت حزب توسعه و عدالت و راهبرد سیاست خارجی این کشور بر عراق، از جمله اهداف اصلی پژوهش است. به عبارت دقیق‌تر، در چارچوب اهداف اصلی پژوهش، به این سؤال اصلی پاسخ داده خواهد شد که «راهبرد سیاست خارجی ترکیه در عراق در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ چیست؟ و چه تأثیری بر منافع ملی جمهوری

اسلامی ایران داشته است؟» فرضیه پژوهش نیز عبارت است از: «راهبرد سیاست خارجی ترکیه در عراق مبتنی بر افزایش نفوذ و کسب موقعیت برتر و حفظ موازنه قدرت با ایران است که از یک سو برای هر دو کشور منافع همسو و از سویی منافع متعارض را دربرمی گیرد». لازم به ذکر است که سیاست خارجی ترکیه یک ماهیتی نیست و مؤلفه‌های راهبرد سیاست خارجی ترکیه در عراق مبتنی بر حمایت از گروه‌های عرب سنی و کرد، سیاست ثبات منابع انرژی، تلاش برای کسب موقعیت برتر ترکیه در منطقه و حفظ موازنه قدرت با ایران است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است و برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و از منابع معتبر علمی و پژوهشی استفاده گردید. پژوهش حاضر می‌کوشد با استفاده از چارچوب نظری حاکم بر نظریه نواقع گرایی، راهبرد سیاست خارجی ترکیه در عراق را در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و امنیتی، واکاوی و تأثیر آن را بر منافع ملی ایران تبیین نماید.

۲. چارچوب نظری

نظریه نواقع گرایی از دل نظریه واقع گرایی برآمده است و سعی می‌کند، واقع گرایی را با مفهوم قدرت و ارزش‌های سیاسی امروزی، به گونه‌ای نرم تطبیق دهد. نواقع گرایی به این نکته تأکید دارد، درست همانگونه که ابزار قدرت و ضمانت‌های اجرایی، سرشت حقوق را به طور کامل متجلی نمی‌کنند، سرشت سیاست را نیز نمی‌توان با استناد به قدرت، به عنوان مهم‌ترین ابزار سیاست، به طور کامل آشکار کرد (Kindermann, 1985, p.10-11)؛ بنابراین، باید در جست و جوی چیزی فراتر از قدرت در مفهوم واقع گرایی کلاسیک بود و با آمیختن آن‌ها با یکدیگر، واقعیت‌های مبتنی بر قدرت را تحلیل کرد. بر همین اساس رویکرد نواقع‌گرا، دربردارنده عناصر مهمی به شرح زیر است: سیستم و تصمیم (رهبری)؛ منافع و قدرت؛ برداشت و واقعیت؛ همکاری و منازعه (راهبرد رفتاری)؛ و هنجار یا نفع است (Faltzgraf & Dohert, 2009, p.196).

در همین راستا هدف اصلی نواقع گرایی، دوری جستن از پیش فرض‌های متصلبانه واقع گرایی است. همچنین سعی می‌کند با دخالت دادن عناصر بااهمیتی همچون موقعیت بازیگر در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، و درنظر گرفتن ویژگی‌های اقتصادی، فرهنگی و تعامل میان دولت‌ها، تحلیل درستی از روابط میان بازیگران قدرت ارائه دهد. برخلاف نظریه واقع گرایی کلاسیک، نواقع گرایی، محیط (ساختار) پراشوب بین‌المللی را مبنای تحلیل قرار می‌دهد و عملکردهای چندگانه دولت و بازیگران دیگر عرصه قدرت را مبنای تصمیم‌گیری و دستیابی به اهداف می‌داند و از سرشت شرور انسان که مبنای تحلیل واقع گرایی است، عبور می‌کند. علاوه بر این، کسب سود و منفعت،

همچنان هدف اصلی دولت‌ها در ارائه راهبردهای سیاست خارجی آنها بوده است و آن‌ها همواره در حال سنجش و محاسبه سود و زیان خود، بر پایه عملکردها و منابع در دسترس‌شان هستند (Gilpin, 1981, p. 9-11). همچنین می‌توان شاخص‌های مهم مکتب نواقع‌گرایی را در موارد زیر بیان کرد: الف) توازن قوا در سطوح منطقه‌ای که در آن به سیاست حفظ وضع موجود توجه دارد؛ ب) تلاش سازمان یافته برای کنترل قدرت بازیگران در شرایط آنارشی؛ ج) تعادل قدرت و کشگری بازیگرانی که در پی کسب قدرت بیشتر یا جایگاه برتر منطقه‌ای هستند (فتاحی اردکانی، ۱۴۰۰، ص ۲۳۶). نئورئالیست‌ها به دنبال حفظ موقعیت خود و ارتقای آن در نظام بین‌الملل هستند و هدفشان کسب بهترین جایگاه در سلسله مراتب قدرت در روابط بین‌الملل است (Waltz, 1979, p. 45-144). نئورئالیست‌ها هدف از کسب قدرت را به دست آوردن امنیت می‌دانند و بیشتر توجه‌شان به قدرت اقتصادی است.

با توجه به مطلوبیت‌های سیاست خارجی ترکیه، دولتمردان حزب عدالت و توسعه سعی نمودند تا با استفاده از تمامی ابزارها و امکانات، نفوذ خود در منطقه را گسترش دهند. بنابراین، به نظر می‌رسد که با توجه به محیط پرآشوب منطقه خاورمیانه و کاربست راهبردهای گوناگون از سوی قدرت‌های منطقه‌ای برای دستیابی به اهداف و مطلوبیت‌ها، می‌توان از نظریه نواقع‌گرایی در تبیین سیاست خارجی ترکیه و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران بهره برد. این امر باتوجه به سیاست‌ها و برنامه‌های حزب عدالت و توسعه و درجهت رشد و توسعه اقتصادی و بهره‌گیری از این پشتوانه اقتصادی در راستای گسترش نفوذ منطقه‌ای ترکیه است.

۳. اصول سیاست خارجی ترکیه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه

جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه براساس دو گفتمان تمدنی و رویکرد ژئوپلیتیک شکل گرفت. در واقع می‌توان سیاست خارجی حزب حاکم عدالت و توسعه را در قالب مفهوم و الگوی نوعثمانی‌گرایی این حزب تفسیر و تحلیل کرد که اولین بار در دوران تورگوت اوزال^۱ پایه‌گذاری شد و هدف آن برقراری مناسبات گسترده و همه‌جانبه با همه کشورهای اطراف ترکیه بود. این حزب که از درون کشمکش میان طرفداران جدایی دین از سیاست (سکولارها و اسلام‌گرایان) به قدرت رسید (دهقانی فیروزآبادی و فتحعلی، ۱۳۹۸، ص ۱۸۲). در همین راستا می‌توان محورهای سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه را به شرح ذیل بیان کرد: توازن

بین آزادی و امنیت؛ تنش‌زدایی در سیاست خارجی منطقه‌ای؛ سیاست‌های چندبعدی؛ دیپلماسی انعطاف‌پذیر؛ و دیپلماسی متوازن (Davutoglu, 2008, p.79-84).

۴. راهبرد سیاست خارجی ترکیه در عراق

از زمان شروع تحولات خاورمیانه و خیزش‌های مردمی، فرصت‌ها و چالش‌های زیادی پیش روی کشورهای منطقه قرار گرفت و همین امر زمینه‌ساز نقش‌آفرینی بیشتر کشورها در تحولات منطقه گردید و هر یک به دنبال بیشترین سهم از قدرت بودند. ترکیه از ابتدای بحران به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه در تلاش برای بهره‌مندی از بحران در جهت تغییر موازنه قدرت به سود خود بود. منافع ترکیه را در عراق می‌توان از چند جنبه مورد بررسی قرار داد؛ جنبه اقتصادی شامل روابط تجاری، اقتصادی و انرژی؛ جنبه امنیتی شامل حمایت از سنی‌های عراق و موضوع کردهای ترکیه؛ و جنبه سیاسی شامل حمایت از احزاب سنی و سکولار است. ترکیه برای دستیابی به هر یک از منافع مذکور از ابزارهای متعددی در سیاست خارجی بهره می‌گیرد. در ادامه هر یک از عناصر فوق مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۴-۱. اهداف اقتصادی ترکیه در عراق

ترکیه بعد از اتخاذ «نوع‌ثمانی‌گری» به دنبال تقویت روابط اقتصادی و سیاسی گسترده‌ای با عراق است. کشور عراق به خاطر موقعیت جغرافیایی و شرایط سیاسی بعد از سقوط صدام، بهترین گزینه برای ترکیه است تا در صورت تسلط اقتصادی بر آن، نه تنها اهداف اقتصادی ترکیه دنبال شود، بلکه می‌توان از آن به عنوان یک اهرم سیاسی و امنیتی در تصمیم‌گیری‌های آینده غرب آسیا نیز استفاده کرد. فعالیت‌های اقتصادی ترکیه در عراق علاوه بر ماهیت مادی و اقتصادی، طیفی از اهداف و منافع سیاسی و امنیتی را نیز به همراه دارد؛ به عنوان نمونه، از بُعد اقتصادی اصل کلیدی استراتژی سیاست خارجی نوع‌ثمانی‌گرایی ترکیه، تبدیل شدن به مجرای اصلی انرژی از خاورمیانه به اروپا است. ترکیه به عراق به عنوان یک بخش لازم و اصلی برای تبدیل شدن به پل اقتصادی از خاورمیانه به اروپا به خصوص در حوزه انرژی نگاه می‌کند و لازمه چنین همکاری بین طرفین، ثبات و امنیت در عراق است.

چرخش سیاست خارجی ترکیه از نگاه رئالیستی به سمت رویکرد لیبرالیستی و اقتصادمحور که در آن به نقش اقتصاد در دستیابی به اهداف و منافع ملی بها داده می‌شود؛ موجب گسترش همکاری‌های اقتصادی ترکیه با کشورهای همسایه شده است. همین امر سبب گردید تا ترکیه در صدد تغییر موازنه تجاری خود با عراق باشد. براساس آمار مرکز بین‌المللی تجارت، صادرات ترکیه به عراق

در بازه زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ میلادی، روند صعودی را نشان می‌دهد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۳۵). در این همین راستا بود که ترکیه در سال ۲۰۰۹ میلادی اقدام به تأسیس کنسولگری در بصره نمود. در حقیقت ترکیه از این طریق درصدد افزایش حجم تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری در عراق بوده است. یکی دیگر از اهداف تأسیس کنسولگری ترکیه در بصره، جلوگیری و مهار نفوذ ایران به عنوان رقیب منطقه‌ای ترکیه در عراق است. در واقع کنسول ترکیه در بصره بخش بزرگ‌تری از استراتژی ترکیه در مقابل نفوذ ایران در عراق از طریق سرمایه‌گذاری و تجارت است؛ حتی منطقه کردستان عراق به محل نفوذ اقتصادی ترکیه در عراق تبدیل شده است و شرکت‌های ترکی‌ اکنون نقش پیش‌رو در بخش‌های ساختمان‌سازی، تجارت و انرژی در شمال عراق را دارند.

در حوزه انرژی نیز وجود ذخایر عظیم انرژی در عراق به عنوان اولویت اقتصادی ترکیه محسوب می‌شود. در این خصوص می‌توان گفت که این اولویت ناشی از دو مسئله است. نخست اینکه ترکیه یکی از کشورهای مصرف‌کننده انرژی در منطقه است. دوم اینکه ترکیه سعی دارد، مجرای اصلی انتقال انرژی خاورمیانه به اروپا باشد. ترک‌ها با اعمال دیپلماسی خط لوله، هم اکنون در مسیر انتقال نفت و گاز ایران، عراق، ترکمنستان، آذربایجان، روسیه و قزاقستان قرار دارند. خط لوله عراق به تهابی روزانه ۱/۵ میلیون بشکه نفت انتقال می‌دهد و سالانه حدود ۲۰۰ میلیون دلار سود نصیب ترک‌ها می‌نماید (غریاق زندی و شاکری، ۱۳۹۳، ص ۷۳). بنابراین، از هر دو جنبه، ترکیه سخت‌نایزمند به همکاری با عراق در حوزه انرژی و به‌خصوص نفت و گاز است. شرکت‌های انرژی وابسته به دولت ترکیه و شرکت‌های خصوصی به طور مستقیم در شش میدان نفتی و گازی در جنوب و مرکز عراق سرمایه‌گذاری کرده‌اند و همچنین بازیگر اصلی در تلاش‌های اکتشاف نفت در منطقه کردستان عراق هستند. همین الزامات اقتصادی موجب شده تا ترکیه صلح و ثبات را در عراق اولویت خود قرار دهد.

از دیگر محورهای مهمی که با منافع عراق و جمهوری اسلامی ایران پیوند خورده، سیاست آبی ترکیه است. مسئله تقسیم آب رودخانه‌های دجله و فرات را می‌توان پس از مسئله شمال عراق و کرد‌ها، مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده روابط دو کشور عنوان نمود (کرمی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۰). خاورمیانه از مناطقی است که با بحران آب دست و پنجه نرم می‌کند و برخی برای آینده آب، ارزش و اهمیتی به مراتب بیشتر از نفت قائل می‌شوند (همان، ص ۳۰). امروزه ترکیه با اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها و احداث سدهای متعدد از جمله پروژه‌های «گاپ و ماناواگات» و «خط لوله صلح»، میزان آب فرات را برای سوریه و عراق کاهش داده است. اجرای این پروژه‌ها از چند جهت حائز اهمیت است؛ نخست اینکه با تولید انرژی برق از منابع آبی، نیاز ترکیه به خرید نفت را به میزان قابل توجهی کاهش خواهد داد و این امر باعث می‌شود، تا از وابستگی این کشور به فروشندگان عمده نفت یعنی

ایران، عراق و عربستان، کاسته شود و ترکیه را در موضع قوی‌تری قرار دهد. نتیجه دیگر پروژه گاپ در کنار کاهش وابستگی دولت ترکیه به انرژی فسیلی، افزایش وابستگی ارائه‌کنندگان این انرژی و به طور خاص عراق و سوریه به منابع آب شیرین خواهد بود. تعبیری که طراحان و مجریان گپ در این باره بیان کرده‌اند، این است: «کاری می‌کنیم که ارزش هر بشکه آب با یک بشکه نفت برابر کند». باید توجه داشت که کاهش آب باعث خشک شدن بسیاری از تالاب‌ها و به تبع آن گسترش ریزگردها برای عراق و ایران می‌شود.

۴-۲. اهداف سیاسی ترکیه در عراق

افزایش نقش ترکیه در منطقه و تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای، هدف اصلی ترکیه از پیگیری چنین سیاستی بود. در راستای پیگیری استراتژی جدید ترکیه در منطقه، عراق به عنوان یکی از اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه در نظر گرفته شد. همین امر سبب شد تا ترکیه از یک بازیگر ناظر، به کنش‌گری فعال در تحولات سیاسی عراق تبدیل شود. به دنبال این اتفاق، یکی از موضوعات مهم که نگرانی دولتمردان ترکیه را در پی داشت، قدرت‌گیری شیعیان در عراق است. سیاست خارجی ترکیه در قبال عراق تا سال ۲۰۱۰ مبتنی بر تقویت دولت ملی عراق با در نظر گرفتن واقعیت‌های دموگرافی آن بود که تا حدودی جلوه‌ای از سیاست عدم دخالت و با رویکرد بی‌طرفانه محسوب می‌شد؛ ولی از سال ۲۰۱۱ این سیاست تغییر مسیر داد و با جانبداری از گروه‌های سنی مذهب به دنبال مهندسی و مدیریت صحنه عراق برآمد (فلاح‌پیشه، ۱۳۸۸، ص ۲۷۹). در این رویکرد، نه تنها ترکیه سطح بازیگری خود را ارتقاء داد؛ بلکه بیشتر رفتارهایش مبین نمایندگی راهبردی منافع جهان سنی و عرب منطقه در عراق است. بخش عمده‌ای از نگرانی ترکیه به نفوذ ایران و جایگاه شیعیان در عراق بر می‌گردد. بنابراین، به دنبال قدرت‌گیری شیعیان در عراق، ترکیه نیز از گروه‌های سنی و سکولار حمایت کرد (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۸۵). از مصداق‌های این تنش می‌توان به رقابت مستقیم بین «رجب طیب اردوغان» و «نوری المالکی» به خاطر جایگاه سنی‌ها و به حاشیه رفتن آنها در ساختار سیاسی عراق اشاره کرد. در این راستا، ترکیه تمام تلاش خود را در حمایت از ائتلاف «العراقیه» به رهبری «ایاد العلاوی» در مقابل ائتلاف «دولت قانون» به رهبری «مالکی» به کار بست. این عمل بیانگر نگرانی نحوه تقسیم قدرت در عراق از سوی ترکیه بود (تیشه یار و ظهیری‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۹۴-۹۵). این عوامل سبب شد تا ترکیه تغییری جدی در رویکرد خود در قبال تحولات عراق ایجاد کند. از این‌رو ترکیه به عنوان کشوری که از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ به عنوان حافظ وضع موجود در عراق ایفای نقش می‌کرد، در آستانه انتخابات پارلمانی با محاسبه هزینه فایده به این نتیجه رسید که ادامه سیاست بی‌طرفی در تحولات سیاسی عراق در میان‌مدت و بلندمدت به

سود ترکیه نیست؛ بلکه منجر به افزایش قدرت مانور سایر بازیگران منطقه‌ای از جمله ایران خواهد شد. در نتیجه سیاست خارجی این کشور از سیاست بی‌طرفی و میانجی‌گری به سمت مداخله و نقش‌آفرینی در عراق تغییر یافت.

۴-۳. منافع امنیتی ترکیه در عراق

از زمان تشکیل جمهوری ترکیه تاکنون، موضوع کردهای ترکیه به عنوان اصلی‌ترین دغدغه امنیتی مقامات سیاسی ترکیه مطرح بوده است. مهم‌ترین خواست کردهای ترکیه که از دیرباز تاکنون بر آن پافشاری کرده و برای دستیابی به آن هم از راه‌های مسالمت‌آمیز و هم از طریق فعالیت‌های خشونت‌بار اقدام کرده‌اند، دو موضوع بوده است؛ نخست، خودمختاری کردهای ترکیه که عمدتاً در شرق و جنوب شرقی ترکیه ساکن هستند و دوم، به رسمیت شناختن زبان کردی به عنوان زبان دوم ترکیه. آنچه که موجب نگرانی ترکیه شده حضور کردها در کشور عراق است؛ چراکه به‌طور طبیعی موضع‌گیری و اقدامات کردهای عراق بر نگرش سیاسی و مواضع کردهای ترکیه تأثیرگذار خواهد بود. از این‌رو، اعلام استقلال کردستان عراق و سخنان «مسعود بارزانی» که صراحتاً اعلام نمود در صورت ادامه یافتن اختلافات و حل نشدن اختلافات سیاسی در عراق، امکان رجوع به پارلمان حکومت اقلیم کردستان در خصوص استقلال این منطقه وجود دارد، بر نگرانی مقامات ترکیه افزود. این وضعیت برای ترکیه که بیش از ۲۰ درصد از جمعیت آن را کردها تشکیل می‌دهند، می‌تواند به عنوان تهدیدی برای امنیت و منافع ملی آنها محسوب شود؛ چراکه وجود یک دولت مستقل کرد در مرزهای ترکیه، کردهای ترکیه را به سمت گرایش‌های جدایی‌طلبی سوق خواهد داد. بنابراین، ترکیه با بهره‌گیری از دیپلماسی فعال در عراق، به دنبال نقش‌آفرینی در تحولات سیاسی اجتماعی این کشور و مدیریت بحران عراق، در راستای حفظ منافع و اهداف ملی خود است؛ به گونه‌ای که قبل از هر چیزی، منافع ترکیه با کم‌ترین هزینه تأمین شود.

به‌طور کلی از نظر سیاسی ترکیه درصدد به دست آوردن عمق استراتژیک در خاورمیانه است؛ زیرا سیاستمداران ترکیه به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توانند قدرت نرم خود را در این منطقه افزایش دهند و از این طریق نقش مهمی در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا کنند. آنان همچنین توانسته‌اند از این سیاست خود در عراق نیز بهره‌گیرند و به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای بی‌طرف، اعتماد طرف‌های درگیر در این کشور را به دست آورند. در واقع دستیابی به جایگاه قدرت برتر منطقه‌ای از اهداف و منافع سیاسی اصلی ترکیه است که در این زمینه همکاری با عراق از ملزومات آن به‌شمار می‌رود.

۵. تأثیر راهبرد سیاست خارجی ترکیه در عراق بر منافع ملی ایران

تلاش ترکیه در حمایت از احزاب سیاسی سنی و سکولار از موضوعاتی است که زمینه رقابت

سیاسی دو کشور را در پی داشته است. آنکارا هیچ‌گاه تمایل نداشته است که عراق تبدیل به یک دولت وابسته به ایران شود. در این راستا، رقابت سیاسی بین ایران و ترکیه در عراق بعد از خروج نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۱۱ میلادی تشدید شده است. دو کشور از بلوک‌های سیاسی مخالف در طول انتخابات مجلسی عراق حمایت نمودند. ایران از احزاب شیعه و ترکیه از احزاب سکولار و ائتلاف عراقی پشتیبانی نمود (ستوده و نیاکوئی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۷). حفظ جایگاه شیعیان در این کشور برای ایران اهمیت بسزایی دارد؛ به گونه‌ای که ایران همواره حمایت‌های سیاسی و معنوی از دولت عراق را در اولویت قرار داده و با استفاده از قدرت دیپلماسی و میانجی‌گری خویش کوشیده است، تا اتحاد میان شیعیان و گروه‌های حامی خود را حفظ کند. در این راستا ترکیه همواره در حال تلاش است که با حمایت از احزاب و گروه‌های سکولار، سنی و واگرا با جمهوری اسلامی، حضور جدی ایران در صحنه عراق را موازنه نماید.

یکی دیگر از عناصر مهم سیاست ترکیه در قبال عراق که بر منافع ایران تأثیر گذار بوده، سیاست آبی ترکیه و ایجاد سدهای متعدد در حوضه دجله و فرات است. از آنجایی که ۶۶٪ آب عراق از حوضه‌های آبی فرامرزی تأمین می‌شود، احداث سدهای متعدد بر روی رودهای دجله و فرات در ترکیه می‌تواند، بخش‌های مختلف کشاورزی، صنعتی و شرب خانگی را در عراق با بحران جدی مواجه کند و باعث خشک شدن آبگیرها و دریاچه‌های فصلی در مرز مشترک ایران و عراق گردد. پروژه سدهای گاپ، منجر به تغییر اکوسیستم شده و ضمن تشدید بحران آب، افزایش دما و ریزگردها را در استان‌های غربی و جنوب غربی ایران در پی داشته است. این بحران به‌رغم ماهیت زیست محیطی به سرعت به بحران سیاسی-امنیتی در استان‌های مرزی ایران تبدیل شد (ناصری و گودرزی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۶)؛ به این صورت که کارشناسان حجم آگیری سد ایلیسورا ۳۵ میلیارد تا ۴۵ میلیارد متر مکعب تخمین می‌زنند. در حقیقت با ساخت این سد، ۶۷۰ هزار هکتار زمین در عراق خشک خواهد شد و بحران‌های اجتماعی در این کشور شکل خواهد گرفت و این بحران‌ها بر ایران نیز بی‌تأثیر نیست. به این صورت که بعد از خشک شدن زمین‌های کشاورزی عراق، ریزگردها در ایران به صورت چشمگیری افزایش پیدا می‌کند (اکبری و مشهدی، ۱۳۹۸، ص ۳۱۳).

نقش‌آفرینی اقتصادی و گسترش مبادلات تجاری در کنار اثرگذاری فرهنگی در عراق، یکی دیگر از مؤلفه‌های آشکار سیاست خارجی و منطقه‌ای اردوغان بوده است. این نوع دیپلماسی اقتصادی که دولت ترکیه در پیش گرفته، نه تنها در آینده بر روابط اقتصادی دو کشور تأثیرگذار است، بلکه پیامدهای مختلفی برای منطقه از جمله ایران به همراه دارد. دلیل این امر وجود منابع عظیم نفت و گاز در عراق است؛ چراکه ترکیه را مشتاق و علاقه‌مند به استفاده از منابع اقتصادی و انرژی ارزان عراق جهت تأمین

نیازهای داخلی و بهره‌برداری از حق ترانزیت نفت از لوله کرکوک جهان نموده است؛ زیرا خطوط لوله نفت از شمال عراق به بنادر مدیترانه ترکیه مقرون به صرفه‌ترین شیوه تحویل نفت عراق به بازارهای اروپایی است و استفاده از این فرصت‌های اقتصادی از اهداف مهم دولت توسعه و عدالت ترکیه به حساب می‌آید؛ زیرا علاوه بر سودآوری‌های فراوان برای ترکیه، اثرات سوء بر اقتصاد ایران در پی خواهد داشت (ستوده و نیاکوئی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۸).

به طور کلی، پیگیری منافع در عراق برای ایران در جهت حفظ موازنه قدرت و برای ترکیه، در جهت تغییر موازنه قدرت است. در همین راستا اتخاذ رویکردهای منطقی که در آن منافع و ملاحظات دو کشور رعایت شود می‌تواند به همکاری و کاهش اختلاف بین دو کشور در امور داخلی عراق کمک کند. رویه در پیش گرفته شده دو کشور مزبور در قالب موازنه قوای منطقه‌ای به شرح زیر است:

- ترکیه در انتخابات ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ از سنی‌ها و ایران از شیعیان حمایت کرد؛

- ترکیه مخالف نخست‌وزیری نوری المالکی بود؛ اما ایران حامی نخست‌وزیری مالکی بود؛

- بعد از انتخابات سال ۲۰۱۰ ترکیه از کردها و به خصوص حزب دموکرات کردستان حمایت می‌کرد؛ اما ایران از اتحادیه میهنی و احزاب اسلام‌گرا حمایت کرد (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۸۷).

۶. نتیجه‌گیری

تحولات جدید عراق که از ۲۰۱۱ تاکنون آغاز شده، زمینه‌ساز تهدیدات و فرصت‌های متعددی در منطقه بوده است؛ که این امر رویکرد و سیاست خارجی قدرت‌های منطقه از جمله ترکیه و ایران را تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به یافته‌های تحقیق در پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر اینکه سیاست خارجی ترکیه در قبال عراق و تأثیر آن بر منافع جمهوری اسلامی ایران چه بوده است؟ باید گفت، این تحولات موجب تغییر رویکرد ترکیه در قبال عراق شده و ترکیه را از یک بازیگر ناظر تبدیل به کنش‌گری فعال نموده است. سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان در سایه سیاست نوعثمانی‌گرایی، زمینه‌ساز تغییر در معادلات منطقه را فراهم نمود. از طرفی موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک عراق، عملاً این کشور را در وضعیتی قرار داده است که می‌تواند، موازنه قدرت را به سود یا ضرر بازیگران ذی‌نفع در این کشور تغییر دهد. با این حال شرایط ویژه عراق سبب شد، تا بازیگران متعدد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌ویژه ایران و ترکیه، به عمق تحولات سیاسی این کشور ورود کنند تا بتوانند در راستای اهداف و منافع خود در این کشور، موازنه قدرت را به نفع خویش حفظ یا تغییر دهند.

تشیع برای جمهوری اسلامی هم جنبه امنیتی دارد و هم در خصوص حوزه نفوذ و قدرت

منطقه‌ای ایران مورد توجه قرار می‌گیرد. همین امر موجب قدرت‌یابی و نفوذ جمهوری اسلامی ایران می‌گردد و در نقطه مقابل، ترکیه تلاش دارد تا از احزاب سنی و سکولار حمایت نماید تا بتواند، موازنه را در عراق برقرار کند. در همین راستا ترکیه از ایاد العلاوی در مقابل نوری المالکی حمایت می‌کرد. در خصوص کردها هر دو کشور حساسیت مشترکی دارند و می‌توان گفت هر سه کشور ترکیه، عراق و ایران راضی به استقلال کردها و تشکیل کردستان مستقل نیستند. مهم‌ترین تحولی که در زمینه تأثیر کردها بر امنیت ملی ترکیه و ایران روی داده، همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق است که موجب سفر یک روزه رجب طیب اردوغان به تهران شد و رؤسای جمهور هر دو کشور توافق کردند تا با یکدیگر همکاری داشته باشند، تا مانع از فروپاشی عراق شوند. آنها تأکید کردند که فرانادوم استقلال کردستان، یک طرح فرقه‌ای از سوی کشورهای بیگانه است؛ لذا بر همکاری و کمک به دولت مرکزی بغداد تأکید کردند.

به طور کلی رویکرد ترکیه در عراق به جهت حفظ یا مقابله با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران به این صورت است، که در برخی موضوعات دربرگیرنده تعامل و در برخی زمینه‌ها رقابت را به دنبال دارد. این موضوع در زمان نقاط مثبت و تعامل، ریشه در جغرافیای سه کشور دارد و تابعی از محیط منطقه‌ای، تروریسم و مسئله کردی است و در هنگام رقابت به دلیل حوزه گسترش نفوذ دو کشور در عراق است. ایران از سیاست حفظ وضع موجود حمایت می‌کند و در مقابل ترکیه به دنبال تغییر وضع موجود است. ایران خود را هم‌پیمان عراق می‌داند، اما ترکیه به دنبال هژمونی و رهبری منطقه‌ای است. از سوی دیگر در حوزه اقتصادی نیز ترکیه به دنبال کسب بیشترین سهم تجارت و به دست گرفتن کنترل انتقال انرژی از عراق به اروپا است. در نتیجه می‌توان گفت، ترک‌ها عمدتاً از ابزارهای قدرت نرم برای اهداف سخت استفاده می‌کنند و ایران بیشتر از مؤلفه‌های قدرت سخت برای اهداف نرم استفاده می‌کند.

منابع

- اکبری، نرگس؛ مشهدی، علی (۱۳۹۸). تهدیدها و تعهدات زیست محیطی دولت ترکیه در اجرای پروژه گاپ نسبت به آثار سوء زیست محیطی در ایران. *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۶۱.
- تیشه‌بار، ماندانا؛ ظهیری‌نژاد، مهناز (۱۳۸۴). *سیاست خارجی عراق: بررسی نقش جغرافیای سیاسی عراق در روابط با همسایگان*. تهران: نشر ذره.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جمال؛ فتحعلی، محمد (۱۳۹۸). هدف‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی امنیتی ترکیه در تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا. *راهبرد دفاعی*، ۱۷(۶۵).
- رستمی، مجتبی؛ نمایان، فرشید؛ اسلامبولجی، علیرضا، سهرابی، روح‌الله (۱۳۹۹). مضامین و چالش‌های ظرفیت راهبردی صادرات ایران در بازار عراق (مطالعه تطبیقی ایران و ترکیه در بازار عراق). *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۰(۳۵).
- ستوده، علی اصغر؛ نیاکوئی، سید امیر (۱۳۹۷). پوشش‌های امنیتی جدید و گذار ترکیه از مجموعه امنیتی بالکان ترکیه به مجموعه امنیتی خاورمیانه. *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۶(۲).
- غرایاق زندگی، داود؛ شاکری، اصغر (۱۳۹۳). تأثیر مسائل راهبردی در روابط ترکیه و عراق، بر ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *امنیت پژوهی*، ۱۳(۴۵).
- فتاحی اردکانی، حسین (۱۴۰۰). راهبرد سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه پس‌ادعش. *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۱۰(۱).
- فلاح‌پیشه، رحمت‌الله (۱۳۸۸). *سیاست راهبردی ترکیه در عراق. مطالعات راهبردی جهان اسلام*، شماره ۳۹.
- کاظمی، حامد؛ اکبری، عابد؛ پیرانی، شهرام (۱۳۹۹). راهبردهای ایران و ترکیه در عراق پس از سقوط صدام. *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، ۳(۴).
- کریمی، افشین؛ حسن‌زاده، جواد؛ پیشگامی‌فرد، زهرا (۱۳۹۵). تأثیر هیدرولیک بر مناسبات عراق و ترکیه با تأکید بر دجله و فرات. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۵(۱۷).
- ناصری، محمد؛ گودرزی، مهناز (۱۳۹۹). پروژه سدسازی ترکیه، تهدیدات امنیتی برای غرب آسیا و جمهوری اسلامی ایران. *روابط خارجی*، ۱۲(۱).

Gilpin, R. (1981). *War and change in world politics*. Cambridge University Press.

Kindermann, G.K. (1985). *The Munich School of Neorealism in International Politics*. Center for International Politics.

Walts, K. (1979). *Politics International of Theory*. New York: Random House.